

Analysis of Factors Influencing the Realization of Cultural and Creative Ecosystems in Historical Cities of Iran

1. *Atiye. Akbarpourganje*
2. *Mostafa. Behzadfar**
3. *Seyedmajid. Mofidishemirani*
4. *Ahmad. Khalili*

1. Ph.D. Student, Department of Urban & Regional Planning, School of Architecture and Environmental Design, Iran University of Science and Technology, Tehran, Iran
2. Professor, Department of Urban & Regional Planning, School of Architecture and Environmental Design, Iran University of Science and Technology, Tehran, Iran
3. Assistant Professor, Department of Urban & Regional Planning, School of Architecture and Environmental Design, Iran University of Science and Technology, Tehran, Iran
4. Assistant Professor, Department of Urban & Regional Planning, School of Architecture and Environmental Design, Iran University of Science and Technology, Tehran, Iran

Email: behzadfar@iust.ac.ir | Received: 11.08.2023 | Acceptance: 20.11.2023

*Journal of
Socio-political studies of Iran's
contemporary history*

eISSN: 2980-9770
<http://journalspsich.com>
Vol. 2, No 3, Pp: 437-457
Autumn 2023

Original research article

How to Cite This Article:

Akbarpourganje, A., Behzadfar, M., Mofidishemirani, S., & Khalili, A (2023). Analysis of Factors Influencing the Realization of Cultural and Creative Ecosystems in Historical Cities of Iran, *psich*, 2(3): 437-457.



© 2023 by the authors. License Iran-Mehr: The Institute for Social Study and Research, Tehran, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0 license). (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>).

Abstract

With the emergence of the concept of the creative city, a new way of thinking about the reciprocal relationship between culture and place has been introduced. This concept, by emphasizing the creative human capital within the city, supports the liberation of individual talents to address urban issues. In this paradigmatic approach, unique indigenous cultural and creative industries are recognized as the primary competitive advantage of cities to achieve economic development. Considering the significant potential of historical cities in Iran to implement the creative city model, the mechanism for establishing a cultural and creative ecosystem in these cities requires investigation. Therefore, the aim of the present study is to evaluate the impact of the spatial preferences of the creative class on the realization of a cultural and creative ecosystem in historical cities of Iran. In the first phase of this research, by reviewing the theoretical foundations in credible global literature, the spatial preferences of the creative class are identified, and the factors influencing the cycle of cultural and creative ecosystems are examined. In the second phase of the research, to test the hypothesis, the structural equation model is utilized within the framework of Amos23 and Spss20 statistical software. This research is applied in nature and descriptive-correlational in terms of data collection and analysis methods. The statistical sample includes 196 members of the creative class residing in the cities of Yazd, Kashan, and Jiroft, who were selected through convenience sampling. The findings indicate that the set of spatial preferences of the creative class affects the implementation of the cultural and

creative ecosystem in the historical cities of Iran. If historical cities in Iran seek to implement the creative city model, they must identify the factors that retain and attract the creative class according to their indigenous capacities and, by applying a set of hard and soft creative placemaking factors, provide the possibility of realizing a cultural and creative ecosystem to achieve creative economic development.

Keywords: *Creative City, Creative Industries, Creative Class, Creative Economy, Placemaking*

تحلیل عوامل موثر بر تحقق اکوسیستم فرهنگی و خلاق در شهرهای تاریخی ایران

عطیه اکبرپور گنجه^۱
مصطفی بهزادفر*^۲
مجید مفیدی شمیرانی^۳
احمد خلیلی^۳

۱. دانشجو دکتری شهرسازی، گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران
۲. استاد، گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران
۳. استادیار، گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران

behzadfar@iust.ac.ir

پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۲۴ | ایمیل:

دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۲۰

چکیده

باطهور مفهوم شهر خلاق، شیوه جدیدی از تفکر در مورد رابطه متقابل فرهنگ و مکان معرفی گردید. این مفهوم با تاکید بر سرمایه انسانی خلاق در شهر، از آزادسازی استعداد های افراد برای رسیدگی به مسائل شهری حمایت می کند. در این الگوواره بینشی، صنایع فرهنگی و خلاق منحصر بفرد بومی اصلی ترین مزیت رقابتی شهرها جهت نیل به توسعه اقتصادی شناخته می شوند. باتوجه به ظرفیت های قابل توجه شهرهای تاریخی ایران در پیاده سازی الگوی شهر خلاق، سازوکار پیاده سازی اکوسیستم فرهنگی و خلاق در این شهرها نیازمند بررسی است؛ لذا هدف از پژوهش حاضر، ارزیابی تاثیر ترجیحات مکانی طبقه خلاق در تحقق اکوسیستم فرهنگی و خلاق در شهرهای تاریخی ایران است. در همین راستا، در مرحله نخست پژوهش، از طریق مرور مبانی نظری پژوهش در متون معتبر جهانی، ترجیحات مکانی طبقه خلاق شناسایی می گردد و همچنین عوامل موثر بر چرخه اکوسیستم فرهنگی و خلاق مورد بررسی قرار می گیرد. در مرحله دوم پژوهش نیز، برای آزمون فرضیه، از مدل معادلات ساختاری در بستر نرم افزارهای آماری Amos23 و Spss20 بهره گرفته می شود. این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر شیوه گردآوری و تجزیه و تحلیل داده ها، توصیفی-همبستگی است. نمونه آماری این پژوهش، ۱۹۶ نفر از اعضای طبقه خلاق ساکن در شهرهای یزد، کاشان و جیرفت است که به صورت نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند. یافته ها نشان می دهد مجموعه ترجیحات مکانی طبقه خلاق، بر پیاده سازی اکوسیستم فرهنگی و خلاق در شهرهای تاریخی ایران تاثیر دارد. اگر شهرهای تاریخی ایران، خواهان پیاده سازی الگوی شهر خلاق هستند، باید عوامل حفظ و جذب طبقه خلاق را به اقتضای ظرفیت های بومی خود شناسایی کنند و با اعمال مجموعه عوامل سخت و نرم مکان سازی

فصلنامه علمی

مطالعات سیاسی-اجتماعی تاریخ معاصر ایران

شاپا (الکترونیکی): ۲۸۹۰-۹۷۷۰
http://journalspsich.com
دوره ۲ | شماره ۳ | صص ۴۵۷-۴۳۷
پاییز ۱۴۰۲

نوع مقاله: پژوهشی

به این مقاله به شکل زیر استناد کنید

درون متن

(اکبرپور گنجه و همکاران، ۱۴۰۲).

در فهرست منابع

اکبرپور گنجه، عطیه، بهزادفر، مصطفی، مفیدی شمیرانی، مجید، و خلیلی، احمد. (۱۴۰۲). تحلیل عوامل موثر بر تحقق اکوسیستم فرهنگی و خلاق در شهرهای تاریخی ایران. مطالعات سیاسی-اجتماعی تاریخ معاصر ایران، ۲(۳)، ۴۳۷-۴۵۷.

خلاق، امکان تحقق اکوسیستم فرهنگی و خلاق را فراهم آورند تا از این طریق به توسعه اقتصادی خلاق نایل آیند.

کلیدواژه‌ها: شهرخلاق، صنایع خلاق، طبقه خلاق، اقتصاد خلاق، مکان‌سازی

مقدمه و بیان مسئله

از اواخر قرن بیستم تا آغاز قرن بیست و یکم، فرهنگ یکی از بردارهای بزرگ توسعه شهری بوده است (Evans, 2002; Scott, 2010) و از دهه ۲۰۰۰ خلاقیت به یک استراتژی رسمی برای احیای توسعه اقتصادی شهرها تبدیل شده است (Bell & Jayne, 2010). در همین راستا، مفهوم شهرخلاق با تاکید بر آزادسازی خلاقیت افراد و تغییر روش‌های متعارف تفکر برای رفع موانع حکمرانی شهری مورد حمایت قرار گرفت (Landry, 2000; 2005). رودریگو و فرانکو (۲۰۲۰) در تعریف شهرخلاق، این الگوی شهری را به‌عنوان مکان‌های چندوجهی و کثرت‌گرا تعریف می‌کنند که با کنجکاوی، تخیل، خلاقیت، فرهنگ، دانش، نوآوری و همکاری شبکه‌ها مشخص می‌شوند. شهر خلاق بر بهبود محیط زندگی و کیفیت زندگی شهروندان در راستای ساخت طرز تفکری مبتنی بر فرهنگ و خلاقیت تاکید دارد و افراد خلاق و مبتکر را به عنوان امکانات زیربنایی برای شکوفایی و توسعه شهری خلاق تعریف می‌کند (Pourbeh et al., 2023).

گفتمان شهر خلاق در تز طبقه خلاق ریچارد فلوریدا (۲۰۰۲، ۲۰۰۵) به اوج خود رسید؛ این ایده، با ترکیب خلاقیت انسانی و اقتصاد، شکل جدیدی از سرمایه‌داری را مطرح می‌نماید و شرایط جامعه‌ای که برای خلاقان جذاب است را موربررسی قرار می‌دهد. چراکه اعتقاد اساسی این است که یک محیط مساعد شرط اساسی برای پرورش سرمایه انسانی خلاق است (Zheng, 2021). فلوریدا سه‌گانه استعداد، فناوری و تحمل را برای سنجش خلاقیت پیشنهاد کرد و استدلال کرد که کلید درک جغرافیای اقتصادی جدید خلاقیت و تأثیرات مثبت آن بر نتایج اقتصادی، همین سه مشخصه است. ایده فلوریدا، زمینه انجام پژوهش‌های متنوعی را فراهم نمود؛ به عنوان مثال آکس و مگیسی (۲۰۰۹) از شاخص‌های فلوریدا برای سنجش عملکرد اقتصاد خلاق بالتیمور استفاده کردند. همچنین کلودوا و استهلکوا (۲۰۱۰)، از همین شاخص‌ها برای ارزیابی شباهت‌های منطقه‌ای و موقعیت جغرافیایی در جمهوری چک استفاده نمودند. شهرهای خلاق، خانه‌ای برای اعضای طبقه خلاق از جمله هنرمندان، محققان، طراحان و سایر مشاغل وابسته به هنر و فرهنگ هستند (Florida et al., 2008). هدف شهرهای خلاق، شکوفایی اجتماعی-اقتصادی است که به واسطه جذب اعضای طبقه خلاق تحقق می‌یابد. حال و هوای خلاق و فرهنگی شهر، تعاملات فرهنگی و امکانات موجود در شهرهای خلاق، پیش‌نیازهایی برای حمایت از خلاقیت افراد است که منجر به ایده‌های جدید، نوآوری‌ها و سایر نتایج ارزشمند میشود (Hautala & Nordström, 2019).

جهانی شدن و رویکردهای بازآفرینی شهری مبتنی بر فرهنگ باعث شده که بسیاری از شهرهای پیشرفته، با اعمال تغییراتی در روند اقتصادی خود، از رویکرد متمرکز بر تولید صنعتی، به یک اقتصاد فراصنعتی و مبتنی بر دانش که براساس خلاقیت، نوآوری و فرهنگ ساختار می‌یابد، تغییر رویه دهند

(Landry, 2017). سرمایه‌گذاری بر روی ظرفیت‌های هنری و فرهنگی شهر، نه تنها فرصت توسعه اقتصادی پایدار را برای شهر فراهم می‌نماید؛ بلکه در برندسازی شهر و جذب گردشگران فرهنگی به شهر بسیار تاثیرگذار است (O'Connor et al., 2020). بر همین اساس، در سیاست‌گذاری اقتصادی شهرها، جذب و حفظ صنایع به اصطلاح خلاق در متمایز ساختن شهرها در یک بازار رقابتی، عنصری مهم و ضروری تلقی شده است (Richards, 2011). با ظهور صنایع فرهنگی و خلاق در دهه ۲۰۰۰، هدف سیاستگذاران، سرمایه‌گذاری بر تولید فرهنگی به عنوان راهی برای تحریک رشد اقتصادی بود (Lavanga & Drosner, 2020). در الگوی شهرخلاق، انواع صنایع خلاق مانند تبلیغات، معماری، هنر، طراحی و رسانه‌ها به عنوان "نجات دهندگان شهرها" (Bell & Jayne, 2010: 210) و ابزارهای قابل توجه برای رشد اقتصادی و فضایی معرفی شده‌اند (Durmaz et al., 2010; Krätke et al., 2015).

اگرچه پژوهش‌هایی زیرساخت‌های سخت و نرم مکانی برای حفظ و جذب طبقه خلاق را شناسایی نموده‌اند (Florida, 2002; 2005; Murphy & Redmond, 2013; O'Connor et al., 2020; Sokół, 2019) و اقدامات لازم در تحقق اقتصاد خلاق مبتنی بر صنایع فرهنگی را مورد بررسی قرار داده‌اند (Cerisola & Panzera, 2021; Landry, 2005)؛ اما تاثیرگذاری ترجیحات مکانی طبقه خلاق بر تحقق اکوسیستم فرهنگی و خلاق در شهرهای تاریخی موضوعیست که نیازمند بررسی است.

در بخش ابتدایی پژوهش، به کمک مرور متون معتبر جهانی، ترجیحات مکانی طبقه خلاق شناسایی می‌گردد و مجموعه اقدامات ضروری در راستای توسعه اقتصاد خلاق مبتنی بر صنایع فرهنگی بومی مورد تحلیل قرار می‌گیرد. بخش دوم نیز شامل مطالعات پیمایشی و تحلیل داده‌های گردآوری شده است. به این صورت که ۹۶ نفر از اعضای طبقه خلاق ساکن در شهرهای یزد، کاشان و جیرفت به صورت نمونه‌گیری دردسترس انتخاب میشوند؛ و به کمک ابزار پرسشنامه، داده‌ها جمع‌آوری می‌گردد؛ و از مدل معادلات ساختاری در بستر نرم افزارهای آماری Amos23 و Spss20 برای آزمون فرضیه، بهره‌گرفته میشود. تا به این پرسش پاسخ داده شود که: ترجیحات مکانی طبقه خلاق چه نقشی در تحقق اکوسیستم فرهنگی و خلاق در شهرهای تاریخی ایران ایفا می‌کند؟

مبانی نظری

شهر خلاق

شهر خلاق شهری است که از خلاقیت در معنای وسیع آن برای ایجاد مزیت رقابتی استفاده می‌کند؛ به گونه‌ای که عنصر خلاقیت را می‌توان به ویژگی‌های مختلف شهر نسبت داد (Sokół, 2019). به عبارت دیگر، دیدگاه شهرخلاق شهر را به عنوان مکان فرصت‌ها برجسته می‌کند و نشان می‌دهد

که افراد ساکن در شهر می‌توانند با خلاقیت خود به چالش‌های زندگی شهری پاسخ دهند (Landry & Bianchini, 1995). رودریگز و فرانکو (۲۰۱۸) نیز شهرهای خلاق را به عنوان شهرهایی مطرح کردند که از تغییرات اجتماعی-فرهنگی، اقتصادی و سیاسی حمایت می‌کنند و با تنوع، گشودگی، مدارا، حضور طبقه خلاق و پویایی فرهنگی بالا مشخص می‌شوند.

از نظر هال (۲۰۰۰)، یک شهر خلاق مستلزم وجود فضای اجتماعی مناسب است که خلاقیت انسان را برانگیزد. در حالی که سوکول (۲۰۱۹)، عوامل شکل دهنده فضای خلاق شهر را شامل سرمایه انسانی، سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی می‌داند. بتن (۱۹۹۵) نیز تنوع را عامل توسعه یک شهر خلاق معرفی می‌کند. و هاسپرز و ون دالم (۲۰۰۵) سه عامل رشد خلاقیت در شهرها را تمرکز، تنوع و بی‌ثباتی می‌دانند. فلوریدا (۲۰۰۲) نیز شهر خلاق را با سرمایه انسانی و به طور خاص با طبقه خلاق پیوند می‌دهد؛ به گفته وی، هنرمندان و تولیدکنندگان آثار فرهنگی، یکی از مهم‌ترین عوامل توسعه شهر خلاق هستند. لندری (۲۰۱۲) در کتاب شهر خلاق، هفت گروه از عواملی که به خلاقیت شهری کمک می‌کنند را پیشنهاد می‌نماید: ویژگی‌های شخصی، اراده و رهبری، تنوع انسانی و دسترسی به استعدادهای متنوع، فرهنگ سازمانی، هویت محلی، فضاها و امکانات شهری، و پویایی شبکه. به اعتقاد وی، در صورت تجمیع تمامی این موارد، یک شهر می‌تواند واقعا خلاق باشد. پانپنگ (۲۰۲۰)، نیز سه رکن اساسی برای تحقق یک شهر خلاق پایدار معرفی می‌کند: رهبری و اجرای آموزش هنر؛ درک روشن خلاقیت و ارتباط آن با میراث فرهنگی؛ تنوع، شمولیت و رویکرد پایین به بالا. رومین و تریپ (۲۰۰۹)، زیرساخت‌های استراحت مانند کافه‌ها، رستوران‌ها و پارک‌ها؛ و مولفه‌های فرهنگی از قبیل جمعیت متولد خارجی، خرده فرهنگ‌ها و میراث فرهنگی را به عنوان عناصر اصلی شهر خلاق پیشنهاد نمود. ساساکی (۲۰۰۱) نیز شهر خلاق را شهری تعریف کرد که روندهای جدیدی را در هنر و فرهنگ پرورش داده و صنایع نوآور و خلاق را ترویج می‌کند.

ترجیحات مکانی طبقه خلاق

سرمایه انسانی به عنوان یک عامل حیاتی در رشد اقتصادی مبتنی بر دانش به طور فزاینده‌ای مورد توجه قرار گرفته و تا حد زیادی توسط شواهد نظری و تجربی تأیید شده است (Faggian et al., 2019). تشویق اعضای طبقه خلاق برای ماندن در یک شهر یا نقل مکان به آنجا مهم است، زیرا حضور اعضای اقتصاد دانش، از جمله طبقه خلاق، رقابت‌پذیری مناطق شهری را افزایش می‌دهد (Musterd & Murie, 2011, p. 7). فلوریدا (۲۰۰۵) بر ارزش اقتصادی خلاقیت انسانی در شهر تأکید می‌کند و یک مفهوم 3T برای رشد اقتصادی پیشنهاد می‌کند و بر نقش مهم شهرها در کنار هم قرار دادن سه عامل فناوری، استعداد و تحمل تأکید می‌کند. در واقع نظریه طبقه خلاق

فلوریدا به این می‌پردازد که افراد خلاق مبتنی بر وجود برخی زیرساخت‌های سخت و نرم، مکان‌های مشخصی را برای کار و زندگی انتخاب می‌کنند.

به اعتقاد مورفی و ردموند (۲۰۱۳)، عوامل "کلاسیک" یاهمان زیرساخت‌های سخت، به عنوان گام اولیه برای جلب افراد به یک شهر شناخته میشوند؛ اما تنها با افزودن زیرساخت‌های نرم می‌توان توانست استعدادهای را حفظ نمود و نیازهای سبک زندگی خاص آن‌ها را برآورده کرد به نحوی که تصاویر مطلوبی از زیست در ذهنشان شکل بگیرد. به اعتقاد یام (۲۰۲۰)، شاخص‌های سه گانه فلوریدا در حفظ و جذب طبقه خلاق، دو مورد از مهمترین عناصر خلاقیت را در نظر نگرفته است: زیرساخت‌های خلاق و فرهنگ. زیرساخت‌های خلاقانه به عنوان ساختارهای اصلی فیزیکی و سازمانی لازم برای عملکرد خلاقیت تعریف میشود که ترکیبی از مطالعه و استراحت را شامل میشود. زیرساخت‌های خلاقانه در گروه مطالعه می‌تواند شامل دانشگاه‌ها و صنایع خلاق (از جمله موسسات تحقیق و توسعه) باشد. زیرساخت‌های استراحت نیز می‌تواند شامل کافه‌ها، رستوران‌ها و پارک‌ها و فضاهای عمومی باشد. عناصر فرهنگی در شاخص جدید خلاقیت نیز شامل افراد فرهنگی، بناهای فرهنگی و اماکن فرهنگی میشود.

سهولت نسبی رفت و آمد به شهر و همچنین دسترسی به فضاهای کار و زندگی به صورت ترکیبی، یکی از زیرساخت‌های پیش نیاز در شکلگیری محیط خلاق برای جذب طبقه خلاق تعریف میشود (Bajestani et al., 2022). کیفیت زندگی نیز به عنوان یک هدف مبتنی بر ارزش دیده می‌شود، که برای هدف قرار دادن طیف گسترده‌ای از طبقه خلاق در شهر، یک پیش نیاز ضروری است (Goldberg-Miller, 2019)؛ و این مفهوم با عواملی همچون وضعیت تامین خدمات اساسی، وضعیت پایداری زیست محیطی و میزان مقرون به صرفه بودن شرایط زندگی و کار سنجیده میشود. به اعتقاد یام (۲۰۲۰)، فرهنگ می‌تواند در افراد، ساختمانها و اماکن منعکس شود. مردم به سرمایه فرهنگی شکل می‌دهند؛ آن‌ها فرهنگ خود را از نسلی به نسل بعدی منتقل می‌کنند و در فرهنگ خود فکر می‌کنند، رفتار می‌کنند و زندگی می‌کنند (Bourdieu, 1986). مردم محلی، سبک زندگی بومیان، عناصر هویتی مکانی و تصاویر منحصر به فرد از پیشینه تاریخی شهر، همگی بازنمون‌هایی از میراث فرهنگی اصیل یک منطقه است که نشان می‌دهد مردم چگونه مکان را درک می‌کنند (Bajestani et al., 2022; Grenni et al., 2020; Mengi & Guaralda, 2020; Tan & Tan, 2023). مجموعه این موارد که ظرفیت میراث فرهنگی انسانی منطقه را نشان می‌دهد، از جذابیت‌های غیرقابل لمس یک مکان برای طبقه خلاق است. بناهای فرهنگی از قبیل موزه‌ها و کتابخانه‌ها، و همچنین مناطق حفاظت شده تاریخی و مشخصه‌های معماری تاریخی، نمایانگرهایی از ظرفیت میراث فرهنگی کالبدی به شمار می‌روند. این نوع میراث فرهنگی، تاثیر

بسزایی در چهره شهر دارند و به عنوان یکی از جاذب‌های افراد ماهر و بااستعداد به شهر شناخته میشوند (Mengi & Guaralda, 2020; Throsby, 2001; Yum, 2020). فرهنگ امکان تقویت خلاقیت و رشد اقتصادی را فراهم می‌کند؛ و برهمین اساس، اماکن فرهنگی مانند گالری‌ها، سالن‌های تئاتر، فضاهای نمایشگاهی و... عناصر حیاتی شهرهای خلاق هستند که به عنوان محیطی برای انتشار ایده‌های خلاق و آشنایی برای افراد با استعداد کار می‌کنند (Rodrigues & Franco, 2020; Yum, 2020). فلوریدا (۲۰۰۸، ص ۶۱) نیز امکانات فرهنگی را هم به عنوان منبع درآمد و هم دلیل مهاجرت طبقه خلاق تعریف نموده است. زیرساخت‌های استراحت یاهمان امکانات فراغتی مانند کافه‌ها، رستورانها و پارکها و... نیز نقشی محوری در پرورش خلاقیت دارند و هم به عنوان مناطق ملاقات و هم به عنوان فضاهای تفکر و اندیشیدن، در تولید و پرورش ایده‌های خلاقانه تاثیرگذار هستند (Bajestani et al., 2022; Vanolo, 2008; Yum, 2020). این نکته با یافته‌های کاستنهلز (۲۰۱۰) همسو است که نزدیک بودن به امکانات فرهنگی را نه تنها باعث افزایش بهره‌وری اقتصادی افراد خلاق دانسته، بلکه این موضوع را در افزایش احساس مطلوب گردشگران نسبت به شهر موثر ارزیابی نموده است. درهمین راستا، گالبرگ میلر (۲۰۱۹) گشودگی فضاهای عمومی برای انجام فعالیت‌های فرهنگی را ضروری دانسته و هنر عمومی را به عنوان ابزاری برای ساخت تصویر خلاقانه از شهر و جذب طبقه خلاق موثر دانسته است.

جذب و تجمع افراد و کسب و کارهای خلاق در یک منطقه خاص، می‌تواند به تبادل ایده‌ها و تعاملات خلاقانه منجر شود (Goldberg-Miller, 2019)؛ برهمین اساس، پذیرش سبک زندگی بوهیمیایی توسط شهر و ارائه امکانات و تسهیلات خلاقانه برای شبکه‌سازی اجتماعی، به عنوان یکی از عوامل مهم در جذب متخصصان خلاق مطرح شده است (Bajestani et al., 2022). حمایت سیاست‌گذاران شهری از مشارکت فرهنگی شهروندان (Rodrigues & Franco, 2020) و اتخاذ شهرنشینی تاکتیکی که در آن توسعه فرهنگی جامعه محور جایگزین دستورکارهای شهرداری میشوند (Goldberg-Miller, 2019) برخی ابتکارات برنامه ریزی شهری فرهنگ مبنا را شامل میشود. فراهم نمودن دسترسی شهروندان به هنر به عنوان یک کالای عمومی در کنار سایر مداخلات فرهنگی، از قبیل مشوق‌های مالیاتی، استفاده مجدد از فضای شهری به نفع کاربری‌های هنری و فرهنگی و هدایت درآمد شهر به طبقه خلاق، برای ترویج هنر و فرهنگ و توسعه فرهنگی شهر ضروری هستند (Goldberg-Miller, 2019; Tan & Tan, 2023)

دستور کار شهری جدید تاکید می‌کند که فرهنگ و تنوع فرهنگی از عوامل کلیدی توسعه شهری پایدار هستند. به اعتقاد یام (۲۰۲۰)، شهر خلاق صرفاً یک نوع بازتر از شهر نیست، بلکه شهری چند

فرهنگی و چند قومیتی است که تنوع فرهنگی به عنوان یک اصل در آن پذیرفته شده است. در همین راستا گفته شده است که شمولیت فرهنگی-اجتماعی، مداراگری و گشودگی شهر نسبت به تنوع جمعیتی، احتمال توسعه خلاقیت شهری و جذب طبقه خلاق را افزایش می‌دهد (Bajestani et al., 2022; Hospers, 2003; Tan & Tan, 2023). علاوه بر اینها، فضاهای شهری خلاق باید پذیرای فعالیت‌های اجتماعی تکرارشونده باشند و امکان بروز فعالیت‌های خلاق در آن‌ها مهیا باشد. وجود پیوند اجتماعی قوی میان شهروندان، و وجود فرصت‌های متعدد برقراری تماس چهره به چهره میان آن‌ها در کنار برگزاری فعالیت‌های متنوع و پویا، در ایجاد زندگی خیابانی پررونق و جذب طبقه خلاق تاثیر بسزایی دارند (Bajestani et al., 2022; Hospers, 2003). نشاط فرهنگی حاصل از اینگونه اقدامات، منجر به ایجاد یک آهنربای فرهنگی برای طبقه خلاق میشود و سود اقتصادی به همراه می‌آورد (Goldberg-Miller, 2019). در جدول ۱، مجموعه‌ای از عوامل حفظ و جذب طبقه خلاق به همراه جدیدترین منابع مرتبط به هر مولفه، ذکر شده است.

جدول ۱. ترجیحات مکانی طبقه خلاق

ابعاد	مولفه	منابع
مطلوبیت شرایط زندگی و کار	دسترسی	Bajestani et al., 2022; Mengi & Guaralda, 2020; Cerisola & Panzera, 2021; Guimarães et al., 2021; Masoudi & Asadifard, 2022; Montalto et al., 2021; Rodrigues & Franco, 2018; Rodrigues & Franco, 2020; Rodrigues et al., 2023
تامین خدمات اساسی		Cerisola & Panzera, 2021; Guimarães et al., 2021; ; Rodrigues & Franco, 2018; Rodrigues & Franco, 2020; Zhang, 2019
مقرون به صرفه بودن شرایط زندگی و کار		Bajestani et al., 2022; Mengi & Guaralda, 2020; Tan & Tan, 2023;
زیرساخت‌های فرهنگی و فراغتی	طرفیت میراث فرهنگی انسانی و کالبدی	Alsayel et al., 2022; Bajestani et al., 2022; Masoudi & Asadifard, 2022; Mengi & Guaralda, 2020; Rodrigues et al., 2023; Sokół, 2019; Tan & Tan, 2023; Yum, 2020
فضاها و امکانات فرهنگی و فراغتی		Alsayel et al., 2022; Bajestani et al., 2022; Cerisola & Panzera, 2021; Goldberg-Miller, 2019; Guimarães et al., 2021; Masoudi & Asadifard, 2022; Mengi & Guaralda, 2020; Montalto et al., 2021; Rodrigues & Franco, 2018; Rodrigues & Franco, 2020; Rodrigues et al., 2023; Yum, 2020
حکمرانی شهری فرهنگ مبنا	سیاست‌های تشویقی و حمایتی	Goldberg-Miller, 2019; Guimarães et al., 2021; Leng et al., 2023; Masoudi & Asadifard, 2022; Mengi & Guaralda, 2020; Montalto et al., 2021; Rodrigues & Franco, 2018; Rodrigues & Franco, 2020; Rodrigues et al., 2023; Sokół, 2019; Tan & Tan, 2023;

Bajestani et al., 2022; Mengi & Guaralda, 2020; Rodrigues & Franco, 2020; Tan & Tan, 2023;	شبکه سازی اجتماعی خلاق
Alsayel et al., 2022; Bajestani et al., 2022; Cerisola & Panzera, 2021; Goldberg-Miller, 2019; Guimarães et al., 2021; Leng et al., 2023; Masoudi & Asadifard, 2022; Mengi & Guaralda, 2020; Montalto et al., 2021; Rodrigues & Franco, 2018; Rodrigues & Franco, 2020; Rodrigues et al., 2023; Sokół, 2019; Yum, 2020	پویایی اجتماعی نگرش پذیرا و تنوع فرهنگی
Bajestani et al., 2022; Mengi & Guaralda, 2020; Rodrigues & Franco, 2018; Rodrigues & Franco, 2020; Sokół, 2019	زندگی خیابانی پررونق

اکوسیستم فرهنگی و خلاق

شهرهای خلاق با آمیختن استراتژی‌های اقتصادی شهر به فرهنگ بومی، راهبردهای هوشمندانه‌ای مبتنی بر اقتصاد دانش ارائه می‌دهند؛ که در این الگوی شهری، شهرها به عنوان پایگاهی برای شرکت‌ها و مؤسسات دانش بنیان تعریف میشوند (Power & Scott, 2010). یکی از اهداف اصلی برنامه‌ریزی یک شهرخلاق، ایجاد سایت‌های تولید فرهنگی است که به پرورش سرمایه انسانی و اقتصاد خلاق اختصاص دارد؛ چنین سایت‌هایی ارزش اساسی ایده شهرخلاق را منعکس می‌کنند (Zheng, 2021)

در این راستا، اسکات (۲۰۰۰) فرهنگ محلی را به عنوان عنصری پویا از ظرفیت‌های شهری برای شکل دادن به فعالیت اقتصادی شهرها تبیین می‌کند. به اعتقاد استرن (۲۰۰۰)، مکان‌های دارای سازمان‌های فرهنگی متعدد یا دسترسی به فعالیت‌های هنری بیشتر، در معرض تجدید حیات اقتصادی و غلبه بر موانع مربوط به طبقه و قومیت هستند. به طور مشابه، شانگ یینگ (۲۰۰۷) استدلال می‌کند که هر چه دغدغه‌های شهری در حوزه فرهنگ، صنعت خلاق و گردشگری فرهنگی بیشتر باشد، تعاملات ملموس‌تری بین فرهنگ، اقتصاد و توسعه رخ می‌دهد. صنایع خلاق هسته اصلی اقتصاد قرن بیست و یکم هستند. این صنایع هم به عنوان یک بخش اقتصادی در نوع خود و هم به عنوان یک عامل مهم برای شهرهای خلاق هدف قرار گرفته‌اند (Colomb, 2012; O'Connor, 2004).

فرایند بهره‌مندی از صنایع خلاق منحصر بفرهنگ بومی در راستای تحقق توسعه خلاق پایدار، نیازمند طراحی یک اکوسیستم نظام‌مند از سلسله اقدامات است تا بستر مناسبی برای راه اندازی، رشد و همچنین پیشرفت این نوع صنایع فراهم آید. تن و تن (۲۰۲۳) نیز یکی از عوامل موثر در مکان‌سازی خلاق را کسب و کارهای محلی و اقتصاد اشتراکی عنوان نموده‌اند و همکاری همگانی برای تحقق

یک اکوسیستم صنعتی سالم و مبتنی بر فناوری را مورد تاکید قرار داده اند. تروسیبی (۱۹۹۹) و سزیسولا و پانزلا (۲۰۲۱)، نیز در مطالعاتشان به اکوسیستم اقتصادی خلاق اشاره نموده‌اند؛ به اعتقاد آنان، فرهنگ و میراث فرهنگی، سرمایه فرهنگی هر جامعه‌ای را تشکیل می‌دهند و سرمایه فرهنگی، بخشی مهم از اکوسیستم اقتصادی جوامع است. ویوانت و مورتو (۲۰۲۰، ص ۱) نیز با اشاره به اکوسیستم خلاق، این مفهوم را برای توصیف روابط میان سهامداران در یک بخش اقتصادی در یک قلمرو تعریف نموده است.

طبق نظر داچسنی و دزیل (۲۰۱۹)، مراکز خلاق شهری را می‌توان ذیل سه نوع اکوسیستم خلاق طبقه بندی نمود: مراکز خلاق تجاری، مراکز خلاق اجتماعی و مراکز خلاق هنری و فرهنگی. گونه اول به تولید کالاهای ملموس، اجرای پروژه‌های نوآورانه و استارت‌آپ‌ها مربوط می‌شود؛ نوع دوم با محوریت پاسخ به چالش‌های اجتماعی، عمدتاً تحقیقات نوآورانه اجتماعی را مدنظر قرار می‌دهد؛ و نوع سوم، میزبان مجموعه‌ای از هنرمندان بومی، واسطه‌گران فرهنگی، تجار، تولیدکنندگان و پخش‌کنندگان آثار فرهنگی هنری، پژوهشگران علوم اجتماعی و شهروندان علاقمند به حوزه‌های فرهنگ و هنر می‌شود که علاوه بر تقویت مشارکت مدنی در حوزه هنر و فرهنگ، به ارائه مشاوره و حمایت مالی در راستای تولید و تجاری سازی محصولات خلاق می‌پردازد.

یکی از ارکان اساسی در تحقق اکوسیستم خلاق و فرهنگی، توجه به بخش تحقیق و توسعه است؛ سیاست‌گذاران و مقامات دولتی اغلب با استفاده از مطالعات و گزارش‌هایی که توسط دانشگاهیان و پژوهشگران تهیه می‌شوند، محورهای اصلی اقدامات کلان را شناسایی می‌کنند (Goldberg-Miller, 2019). گام دوم در اکوسیستم خلاق و فرهنگی، تولید صنایع خلاق متناسب با ظرفیتهای بومی منطقه و دستاوردهای پژوهشی مرحله تحقیق و توسعه است. باجستانی و همکاران (۲۰۲۲) انواع صنایع خلاق را ذیل بخش‌های میراث، هنرها، رسانه‌ها و آفرینش‌های عملکردی طبقه بندی می‌نمایند. نکته حائز اهمیت در این بخش این است که وجود میراث فرهنگی اصیل، تصویر منحصر به فرد حاصل از پیشینه تاریخی منحصر به فرد، وجود فضایی بوهیمیایی، اتمسفر اجتماعی خلاقانه و محیطی کارآفرینانه، همگی برای ایجاد زمینه‌ای مناسب برای شکوفایی صنایع خلاق ضروری هستند. درگام سوم از اکوسیستم خلاق و فرهنگی، معرفی محصولات در بازارهای کلان و تجاری‌سازی صنایع خلاق تعریف می‌شود. اهتمام حکمرانی شهری به برقراری ارتباط سازنده میان تولیدکنندگان صنایع خلاق و اتخاذ اقداماتی برای سهولت تولید و مصرف، در این مرحله از اهمیت قابل توجهی برخوردار است (Goldberg-Miller, 2019). توجه به اقتصاد تجمعی در این مرحله از اکوسیستم مورد تاکید قرار گرفته‌است؛ چراکه تجمع کسب و کارها و صنایع در یک منطقه خاص،

اهمیت قابل توجهی در افزایش بهره‌وری و کارایی اقتصادی دارد (Bajestani et al., 2022; Stefanidou, 2023).

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش به دنبال بررسی تاثیر ترجیحات مکانی طبقه خلاق بر تحقق اکوسیستم فرهنگی و خلاق در شهرهای تاریخی ایران است، لذا از نظر هدف، از نوع تحقیقات کاربردی است؛ و از نظر نحوه گردآوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها از نوع توصیفی-همبستگی است. جامعه آماری پژوهش اعضای طبقه خلاق شهرهای یزد، جیرفت و کاشان است. با توجه به نامحدود بودن جامعه آماری، جهت تعیین حجم نمونه از فرمول نمونه‌گیری کوکران استفاده شد؛ و حجم نمونه آماری با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس و در نظر گرفتن سطح خطای ۰/۰۷، ۱۹۶ نفر در نظر گرفته شد. به منظور ارزیابی تاثیر عوامل حذف و جذب طبقه خلاق در تحقق اکوسیستم فرهنگی و خلاق، از پرسشنامه محقق‌ساخته استفاده شد. در این پژوهش، ترجیحات مکانی طبقه خلاق شامل چهار بعد مطلوبیت شرایط زندگی و کار، زیرساخت‌های فرهنگی و فراغتی، حکمرانی شهری فرهنگ مبنا و پویایی اجتماعی فرهنگی در نظر گرفته شده است. ابعاد متغیر اکوسیستم فرهنگی و خلاق نیز شامل تحقیق و توسعه، تولید و تجاری سازی میشود. در این پرسشنامه، از مقیاس پنج درجه لیکرت جهت سنجش متغیرهای مدل مفهومی استفاده شد. به منظور اطمینان یافتن از دقت و صحت نتایج پژوهش، ویژگی‌های فنی پرسشنامه در دو بخش روایی و پایایی با استفاده از معیارهای مختلف ارزیابی گردید. روایی پرسشنامه از طریق روایی محتوایی و سازه مورد ارزیابی و تأیید قرار گرفت؛ برای سنجش روایی محتوایی پرسشنامه، از نظرات اساتید و صاحب‌نظران آگاه به موضوع استفاده شده است. و برای سنجش روایی سازه از الگوی معادلات ساختاری و روایی همگرا استفاده شده است. به منظور تعیین روایی همگرا از شاخص میانگین انحراف معیار استخراج شده (AVE) استفاده شده است. برای سنجش پایایی نیز از آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی استفاده شد که پایایی ابزار پژوهش توسط آزمون آلفای کرونباخ مورد تأیید قرار گرفت. برای آزمون فرضیه از روش مدل معادلات ساختاری و در بستر نرم افزارهای آماری Amos23 و Spss20 بهره گرفته شد.

یافته‌ها

بر اساس نتایج پژوهش مشخصات جمعیت شناختی پاسخ‌دهندگان در جدول زیر نشان داده شده است.

جدول ۲. آمار توصیفی ویژگی‌های جمعیت شناختی

پارامتر	فرآوانی	درصد
جنسیت	مرد	۵۴/۶
	زن	۴۵/۴
سن	۲۱-۳۰	۲۸/۶
	۳۱-۴۰	۳۱/۶۳
	۴۱-۵۰	۲۱/۴۲
	۵۱-۶۰	۱۷/۸۵
	۶۱ به بالا	۱/۰۲
تحصیلات	لیسانس	۴۳/۳۷
	فوق لیسانس	۳۸/۲۶
	دکتری	۱۸/۳۷

در این پژوهش به منظور تعیین پایایی آزمون از روش آلفای کرونباخ استفاده گردیده است. ضریب آلفای کرونباخ عاملی است که مقدار آن از ۰ تا ۱ متغیر است و مقدار آلفای کرونباخ بالاتر از ۰/۷، نشانگر پایایی قابل قبول است (Cronbach, 1951). در این پژوهش برای به دست آوردن آلفای کرونباخ از نرم‌افزار SPSS استفاده شده است و مقدار آلفا برای همه متغیرها قابل قبول ارزیابی شد. برتری پایایی ترکیبی مرکب (CR) نسبت به آلفای کرونباخ در این است که پایایی سازه‌ها نه به صورت مطلق بلکه با توجه به همبستگی سازه‌هایشان با یکدیگر محاسبه می‌گردد. در صورتی که مقدار پایایی ترکیبی برای هر سازه بالای ۰/۷ شود، نشان از پایایی درونی مناسب برای مدل‌های اندازه‌گیری دارد و مقدار کمتر از ۰/۶، عدم وجود پایایی را نشان می‌دهد (Werts et al., 1974). فورنل و لارکر (۱۹۸۱) نیز، معیار میانگین واریانس استخراج شده (AVE) را برای سنجش روایی همگرا معرفی نمودند که مقدار این شاخص از ۰ تا ۱ متغیر است و مقادیر بالاتر از ۰/۵ پذیرفته شده است. در جدول زیر مقادیر هر یک از این ضرایب برای سازه‌های پژوهش ارائه شده است.

جدول ۳. آلفای کرونباخ و پایایی و روایی متغیرهای پژوهش

متغیرهای پژوهش	آلفای کرونباخ	AVE	CR
ترجیحات مکانی طبقه خلاق	۰/۸۵۱	۰/۶۷	۰/۸۲۷
اکوسیستم فرهنگی و خلاق	۰/۸۹۵	۰/۶۵	۰/۸۴۸

همانطور که گفته شد، برای آزمون فرضیه پژوهش، از روش مدلسازی معادلات ساختاری استفاده شده است. در این مقاله شاخص‌های برازش مناسب مدل شامل کای اسکوئر (X^2)، GFI (شاخص

نکویی برازش)، AGFI (شاخص تعدیل شده نیکویی برازش، CFI (شاخص برازش مقایسه‌ای)، RMSEA (ریشه دوم میانگین خطای تقریب) می‌شود؛ به این صورت که مدلی از برازش مناسب برخوردار است که نسبت X^2 به درجه آزادی (DF) آن کمتر از ۳، مقدار CFI بیشتر از ۰/۹، مقدار AGFI و GFI بیشتر از ۰/۸ و مقدار RMSEA کمتر از ۰/۰۸ باشد. همچنین چنانچه عدد معناداری (مقدار CR) بیشتر از ۱/۹۶ یا کمتر از ۱-۱/۹۶ باشد، رابطه موجود در مدل پژوهش معنادار است (Kalantari, 2009).

در این بخش برای آزمون فرضیه پژوهش، مدل ساختاری به اجرا درآمد. البته، پیش از اجرای مدل ساختاری، به بررسی نرمال بودن چند متغیره داده‌ها با استفاده از دو شاخص چولگی و کشیدگی پرداخته شد که با توجه به نتایج به دست آمده، دامنه مقادیر شاخص چولگی بین ۰/۷۹۲- تا ۱/۳۰۱+ و شاخص کشیدگی بین ۰/۹۶۵- تا ۲/۴۳۴+ تعیین شد و بر این اساس، داده‌ها نرمال ارزیابی شدند. همچنین برای بررسی اعتبار مدل، علاوه بر بارهای عاملی هر سؤال، روایی و پایایی متغیرهای پژوهش مد نظر قرار می‌گیرد. در مورد بارهای عاملی مقیاس‌های بزرگ‌تر از ۰/۵ نشان می‌دهند که متغیر مشاهده شده مقیاسی قابل اطمینان برای متغیر پنهان هستند، که با توجه به نتایج جدول ۴ در نمونه حاضر، همه ی بارهای عاملی بیشتر از ۰/۵ هستند؛ که این موضوع، نشان از مناسب بودن این شاخص است.

جدول ۴. بارهای عاملی اولیه

سازه	گویه‌ها/سؤالات	بارعاملی	سازه	گویه‌ها/سؤالات	بارعاملی
ترجیحات مکانی	t1	۰/۵۴	اکوسیستم	e1	۰/۸۵
طبقه خلاق	t2	۰/۸۳	فرهنگی و خلاق	e2	۰/۶۰
	t3	۰/۷۳		e3	۰/۵۲
	t4	۰/۵۹			

در ادامه، برای بررسی برازش مدل، مدل ساختاری پژوهش ترسیم و روابط بین متغیرهای پنهان (که همان فرضیه پژوهش است) مورد بررسی قرار می‌گیرند. در این مورد ابتدا شاخص‌های برازش را محاسبه کرده و سپس به بررسی روابط مفروض بین متغیرهای پنهان پرداخته میشود؛ لازم به ذکر است به دلیل مشاهده مشابهت زیاد مقدار شاخص‌های برازش در مدل اندازه‌گیری و ساختاری تنها یک جدول جهت نمایش و بررسی شاخص‌های نیکویی برازش ارائه می‌گردد. با توجه به جدول ۵ تعداد ۸ شاخص در ناحیه‌ی پذیرش قرار دارند، بنابراین مدل پژوهش از برازش بسیار مناسبی برخوردار است.

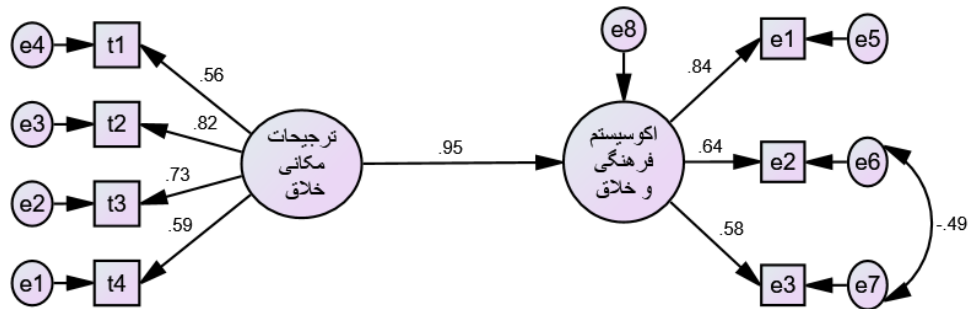
جدول ۵. شاخص‌های نیکویی برازش

شاخص برازش	توضیحات	معیار قابل قبول	مقدار کسب شده	وضعیت
شاخص‌های	X2p-value	> 0.5	۰/۰۰۱	رد
برازش مطلق	AGFI	≥ 0.80	۰/۷۷۸	رد
	GFI	≥ 0.90	۰/۹۰۵	قبول
	RMR	< 0.08	۰/۰۴۸	قبول
شاخص‌های	CFI	≥ 0.90	۰/۹۱۸	قبول
برازش تطبیقی	TLI	≥ 0.90	۰/۸۵۷	رد
	IFI	≥ 0.90	۰/۹۲۱	قبول
	RFI	≥ 0.90	۰/۷۹۳	رد
	NFI	≥ 0.90	۰/۸۸۲	رد
شاخص‌های	(CMIN/Df)	≤ 3	۲/۷۹۶	قبول
برازش مقتصد	PCFI	≥ 0.5	۰/۵۲۵	قبول
	PNFI	≥ 0.5	۰/۵۰۴	قبول
	PRATIO	≥ 0.5	۰/۵۷۱	قبول
	RMSEA	≤ 0.08	۰/۱۳۷	رد

پس از بررسی و تأیید الگوها، برای آزمون معناداری فرضیه پژوهش، از دو شاخص جزئی مقدار بحرانی و P استفاده شده است. بر اساس سطح معناداری ۰/۰۵، مقدار بحرانی باید بیش‌تر از ۱/۹۶ باشد. کم‌تر از این مقدار، پارامتر مربوط در الگو، مهم شمرده نمی‌شود و همچنین مقادیر کوچک‌تر از ۰/۰۵ برای P حاکی از تفاوت معنادار مقدار محاسبه شده برای وزن‌های رگرسیونی با مقدار صفر در سطح اطمینان ۹۵ درصد است. فرضیه پژوهش به همراه ضرایب رگرسیونی، مقادیر بحرانی و P مربوطه در جدول ۶ آورده شده است. براساس نتایج بدست‌آمده، فرضیه پژوهش معنادار و مورد تأیید است.

جدول ۶. آزمون فرضیه مدل پژوهش

فرضیه	ضریب رگرسیونی	مقدار بحرانی	P-value	نتیجه
ترجیحات مکانی <--- اکوسیستم طبقه خلاق	۰/۹۵	۵/۶۶۸	***	قبول
	فرهنگی و خلاق			



شکل ۲. مدل ساختاری پژوهش در حالت استاندارد با نرم افزار Amos

بحث

مطابق نتایج حاصل از آزمون فرضیه، ترجیحات مکانی طبقه خلاق بر تحقق چرخه سه‌گانه اکوسیستم فرهنگی و خلاق تاثیرگذار است. مطابق مرور متون معتبر جهانی، مجموعه ترجیحات مکانی طبقه خلاق ذیل چهار بعد مطلوبیت شرایط زندگی و کار، زیرساخت‌های فرهنگی و فراغتی، حکمرانی شهری فرهنگ مبنا و پویایی اجتماعی فرهنگی طبقه بندی شد و ابعاد متغیر اکوسیستم فرهنگی و خلاق نیز مشتمل بر سه‌گانه تحقیق و توسعه، تولید و تجاری سازی تبیین گردید. در حوزه عوامل حفظ و جذب طبقه خلاق، باجستانی و همکاران (۲۰۲۲) اعتقاد دارند که تاکتیک‌های فیزیکی فرمولی، برای حفظ یک محیط خلاق کافی نیستند؛ چراکه این تاکتیک‌ها ممکن است یک منطقه را برای جذب افراد خارجی یا توسعه‌دهندگان املاک و مستغلات مهیا کند، و همین موضوع، منجر به فرآیندهای اعیان سازی، افزایش اجاره بها و جایگزین شدن مسکن و فضاهای کاری مقرون به صرفه مناسب برای هنرمندان با مسکن‌های گران‌قیمت گردد (Gibson et al., 2012; Mengi & Guaralda, 2020; Tang, 2020; Trip & Romein, 2014). بر همین اساس، توجه به ابعاد مکان سازی خلاق و پرهیز از تاکیدات فیزیکی، می‌تواند در تحقق توسعه شهری پایدار تاثیرگذار باشد.

مراکز خلاق در بسیاری از جهات از جمله تحریک دانش، رشد اشتغال، تقویت مدیریت پایدار منابع زیست محیطی، حفاظت میراث و تسهیل فرایند تصمیم‌گیری مشارکتی، به توسعه پایدار شهری کمک می‌کنند؛ به عبارت دیگر اکوسیستم فرهنگی و خلاق، با تمرکز بر تقویت مصرف کالاها و خدمات تولید شده توسط طبقه خلاق، تاثیر بسزایی در رونق درآمدخلاق شهر و اشتغال زایی خلاق دارد (Goldberg-Miller, 2019; Rodrigues & Franco, 2020). علاوه بر اینها، شکلگیری نام تجاری خلاق برای شهر، عضویت در شبکه‌های جهانی خلاق مانند یونسکو و رونق گردشگری

خلاق، از پیامدهای دیگر اکوسیستم خلاق و فرهنگی است. بر همین اساس ضروریست تا با شناسایی ترجیحات مکانی طبقه خلاق، سازوکار مکان سازی خلاق در شهرهای تاریخی ایران تبیین شود تا زمینه تحقق اکوسیستم فرهنگی و خلاق برای شهرهای واجد ارزش تاریخی ایران فراهم گردد. در راستای توسعه پایدار اکوسیستم خلاق، کیم و کومونیان (۲۰۲۴)، به ضرورت جانمایی هریک از اقدامات توسعه خلاق و فرهنگی ذیل یک اکوسیستم جامع تاکید نموده است، لذا ضروریست مجموعه اقدامات توسعه‌ای در راستای تقویت اقتصادخلاق محلی در شهرهای تاریخی ایران شناسایی شود و در ادامه، سندی جامع برای اکوسیستم خلاق و فرهنگی این شهرها تدوین گردد. یافته‌های لنگ و همکاران (۲۰۲۳)، نشان می‌دهد که پیاده سازی اکوسیستم فرهنگی و خلاق، تأثیرات اجتماعی مثبتی در شکوفایی صنایع خلاق، افزایش مشارکت اجتماعی و بازسازی محله‌های شهری ایفا می‌کند. به اعتقاد ویوانت و مورتو (۲۰۲۰)، اکوسیستم صنایع خلاق، توسط منابع زمینی درون زا اعم از منابع جغرافیایی (مناظر، تاریخ محلی)، منابع اقتصادی (کارآفرینی و مالی)، منابع اجتماعی و فنی (صنایع فناوری، نیروی کار ماهر) و منابع سیاسی (مشوق‌های مالیاتی، تهیه فضا) تقویت می‌شوند. بر همین اساس پیشنهاد میشود در پژوهش‌های آتی، سازوکار تأثیر هریک از منابع زمینه‌ای در تحقق اکوسیستم فرهنگی و خلاق مورد بررسی قرار گیرد و مبتنی بر ظرفیتهای زمینه‌ای هریک از شهرهای ایران، سازوکار منحصر بفردی در راستای جذب طبقه خلاق و پیاده‌سازی اکوسیستم فرهنگی و خلاق تدوین شود. بر اساس یافته‌های پژوهش‌های پیشین، پروژه‌های فرهنگی در مقیاس بزرگ، بیشتر به فعالیتهای برندسازی شهر و خلق تصویر مطلوب از شهر مربوط می‌شود تا اینکه به توسعه بلندمدت صنایع خلاق محلی، تامین نیازهای طبقه خلاق و در نظر گرفتن زمینه مکانی خاص مربوط شود (Kiroff, 2020; Lin, 2018). و ممکن است مجریان و هنرمندان خارجی، به جای اعضای طبقه خلاق بومی در این قبیل پروژه‌ها دخیل شوند و از این طریق بومیان خلاق کنار گذاشته شوند (Wang et al., 2021). به همین دلیل ضروریست تا با تاکید بر ظرفیتهای بومی شهرهای تاریخی ایران، صنایع خلاق محلی در چرخه اکوسیستم فرهنگی و خلاق این شهرها وارد شوند تا فرایندی بهینه و پایدار از اقتصادخلاق ساختاریابد.

نتیجه‌گیری

شهر خلاق شهری است که از خلاقیت در معنای وسیع آن برای ایجاد مزیت رقابتی استفاده می‌کند. مجموعه عوامل سازنده یک فضای شهری خلاق شامل سرمایه انسانی، سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی میشود. هر قدر شهر در حفظ و جذب طبقه خلاق قوی تر عمل کند، سرمایه انسانی قوی تری خواهد داشت و به تحقق الگوی پایدار شهر خلاق نزدیکتر خواهد شد. اما رونق اقتصاد خلاق شهر، در گرو توجه به ظرفیتهای فرهنگی شهر و تجاری سازی صنایع خلاق منحصر فرد بومی تعریف

میشود. در راستای شناسایی سازوکارهای پیاده سازی اکوسیستم فرهنگی و خلاق در شهرهای تاریخی ایران و بهره مندی حداکثری از ظرفیتهای بومی این شهرها برای توسعه اقتصاد خلاق، این پژوهش به بررسی تاثیر ترجیحات مکانی طبقه خلاق در تحقق اکوسیستم فرهنگی پرداخت. براساس مرور مبانی نظری مرتبط به موضوع، مجموعه مفاهیم مطلوبیت شرایط زندگی و کار، زیرساختهای فرهنگی و فراغتی، حکمرانی شهری فرهنگ مبنا و پویایی اجتماعی فرهنگی، به عنوان ترجیحات مکانی طبقه خلاق شناسایی شد و نکات نظری و عملی پیرامون هر یک از مفاهیم مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. براساس مطالعات صورت گرفته، اکوسیستم فرهنگی و خلاق نیز ذیل یک فرایند سه مرحله‌ای تحقیق و توسعه، تولید و تجاری سازی تعریف میشود. بررسی وضعیت تاثیر ترجیحات مکانی طبقه خلاق بر تحقق اکوسیستم فرهنگی و خلاق در شهرهای تاریخی ایران نشان می‌دهد که چنانچه این شهرها مبتنی بر ظرفیتهای زمینه‌ای خود، نیازها و انتظارات طبقه خلاق را برآورده نمایند، احتمال فعالیت پایدار چرخه سه‌گانه اکوسیستم خلاق بیشتر خواهد شد و متعاقب آن، فرصتهای بیشتری در زمینه توسعه اقتصادی خلاق برای آنها فراهم می‌گردد.

به اتکای یافته‌های نظری و عملی پژوهش حاضر، پیشنهاد میشود به بومی سازی ترجیحات مکانی طبقه خلاق در شهرهای تاریخی ایران پرداخته شود و سازوکار هر یک از مراحل اکوسیستم فرهنگی و خلاق منطبق بر ظرفیتهای محدودیتهای شهرهای ایران مورد شناسایی قرار گیرد. اگرچه این پژوهش با انتخاب سه شهر یزد، کاشان و جیرفت، جامعه قابل قبولی از شهرهای تاریخی ایران را مورد بررسی قرار داده است، اما بررسی تعداد بیشتری از شهرهای تاریخی ایران به عنوان نمونه مطالعاتی می‌تواند تعمیم‌پذیری نتایج را مطمئن تر نماید. همچنین در راستای تحقق الگوی شهر خلاق پایدار در شهرهای ایران، پیشنهاد میشود در پژوهش‌های آتی، مجموعه ابعاد، مولفه‌ها و شاخص‌های مکان‌سازی خلاق مورد بررسی قرار گیرد.

منابع و مأخذ

- Acs, Z. J., & Megyesi, M. I. (2009). Creativity and industrial cities: A case study of Baltimore. *Entrepreneurship and Regional Development*, 21(4), 421-439.
- Alsayel, A., de Jong, M., & Fransen, J. (2022). Can creative cities be inclusive too? How do Dubai, Amsterdam and Toronto navigate the tensions between creativity and inclusiveness in their adoption of city brands and policy initiatives?. *Cities*, 128, 103786.
- Bajestani, S. A., Stupples, P., & Kiddle, R. (2022). The relationship between creative developments and place: a position paper. *Journal of Place Management and Development*, 16(2), 248-266.
- Batten, D. F. (1995). Network cities: creative urban agglomerations for the 21st century. *Urban studies*, 32(2), 313-327.

- Bell, D., & Jayne, M. (2010). The creative countryside: Policy and practice in the UK rural cultural economy. *Journal of rural studies*, 26(3), 209-218.
- Bourdieu, P. (1986). The forms of capital. *Handbook of theory and research for the sociology of education/Greenwood*.
- Cerisola, S., & Panzera, E. (2021). Cultural and creative cities and regional economic efficiency: Context conditions as catalyzers of cultural vibrancy and creative economy. *Sustainability*, 13(13), 7150.
- Colomb, C. (2012). Pushing the urban frontier: Temporary uses of space, city marketing, and the creative city discourse in 2000s Berlin. *Journal of urban affairs*, 34(2), 131-152.
- Cronbach, L. J. (1951). Coefficient alpha and the internal structure of tests. *psychometrika*, 16(3), 297-334.
- Duchesneau, M.-O., & Déziel, G. (2019). The Creative Hub, An Emerging Organizational Entity with Great Potential for Arts and Culture. Retrieved from <https://cmf-fmc.ca/now-next/articles/creative-hub-report-telefilm-canada-guillaume-deziel/>
- Durmaz, B., Platt, S., & Yigitcanlar, T. (2010). Creativity, culture tourism and place-making: Istanbul and London film industries. *International journal of culture, tourism and hospitality research*, 4(3), 198-213.
- Evans, G. (2002). *Cultural planning: An urban renaissance?*. Routledge.
- Faggian, A., Modrego, F., & McCann, P. (2019). Human capital and regional development. *Handbook of regional growth and development theories*, 149-171.
- Florida, R. (2002). *The rise of the creative class*. Routledge, New York, NY.
- Florida, R. (2005). *Cities and the creative class*. Routledge, New York, NY.
- Florida, R. (2008). *Who's your city? How the creative economy is making where to live the most important decision of your life*. New York: Basic Books.
- Florida, R., Mellander, C., & Stolarick, K. (2008). Inside the black box of regional development—human capital, the creative class and tolerance. *Journal of economic geography*, 8(5), 615-649.
- Fornell, C., & Larcker, D. F. (1981). Evaluating structural equation models with unobservable variables and measurement error. *Journal of marketing research*, 18(1), 39-50.
- Gibson, C., Brennan-Horley, C., Laurenson, B., Riggs, N., Warren, A., Gallan, B., & Brown, H. (2012). Cool places, creative places? Community perceptions of cultural vitality in the suburbs. *International Journal of Cultural Studies*, 15(3), 287-302.
- Goldberg-Miller, S. B. (2019). Creative city strategies on the municipal agenda in New York. *City, Culture and Society*, 17, 26-37.
- Grenni, S., Soini, K., & Horlings, L. G. (2020). The inner dimension of sustainability transformation: how sense of place and values can support sustainable place-shaping. *Sustainability Science*, 15, 411-422.
- Guimarães, A. D., Ribeiro, S. B., & Machado, A. F. (2021). Repercussion of the label in a comparative analysis of indicators: the case of two UNESCO Creative Cities. *Creative Industries Journal*, 14(2), 152-168.
- Hall, P. (2000). Creative cities and economic development. *Urban studies*, 37(4), 639-649.
- Hautala, J., & Nordström, P. (2019). Creative city, mobility, and creativity: Finnish artists in Berlin. *Mobilities*, 14(6), 859-874.

- Hospers, G. J. (2003). Creative cities in Europe: urban competitiveness in the knowledge economy. *Intereconomics*, 38(5), 260-269.
- Hospers, G. J., & Van Dalm, R. (2005). How to create a creative city? The viewpoints of Richard Florida and Jane Jacobs. *foresight*, 7(4), 8-12.
- Kalantari, Kh. (2009). Modeling Cultural Equations in Social and Economic Studies (by LISREL and SIMPLIS) Tehran: Farhang Saba, 1-240. (in persain)
- Kastenzholz, E. (2010). 'Cultural proximity' as a determinant of destination image. *Journal of Vacation Marketing*, 16(4), 313-322.
- Kim, S., & Comunian, R. (2024). Higher education and sustainable creative cities: the development of creative and cultural ecosystems in the (new) capital city of Kazakhstan. *Industry and Higher Education*, 38(1), 51-63.
- Kiroff, L. (2020). Nexus between creative industries and the built environment: Creative placemaking in inner Auckland. *Frontiers of Architectural Research*, 9(1), 119-137.
- Kloudova, J., & Stehlikova, B. (2010). CREATIVITY INDEX FOR THE CZECH REPUBLIC IN TERMS OF REGIONAL SIMILARITIES AND GEOGRAPHIC LOCATION. *Economics & Management*.
- Krätke, S., Paddison, R., & Hutton, T. (2015). New economies, new spaces. *Cities and economic change. Restructuring and dislocation in the global metropolis*, 299.
- Landry, C. (2000). *The creative city: a toolkit for urban innovators*. Earthscan, London.
- Landry, C. (2005). Lineages of the creative city. In S. Franke and V. Evert (eds.), *Creativity and the city: how the creative economy changes the city*, NAi Uitgevers, Rotterdam.
- Landry, C. (2012). *The creative city: A toolkit for urban innovators*. Routledge.
- Landry, C. (2017). *The origins & futures of the creative city*. Near Stroud, UK: Comedia.
- Landry, C., & Bianchini, F. (1995). *The creative city*. Paper no. 12. London: Demos in association with Comedia.
- Lavanga, M., & Drosner, M. (2020). Towards a new paradigm of the creative city or the same devil in disguise? Culture-led urban (re) development and sustainability. *Cultural Industries and the environmental crisis: New approaches for policy*, 95-109.
- Leng, K. S., Mui, L. Y., & Badarulzaman, N. (2023). Glocalizing creative hub concept for Malaysian creative city development: a conceptual review. *Geografia-Malaysian Journal of Society and Space*, 19(1), 95-108.
- Lin, C. Y. (2018). Local and trans-local dynamics of innovation practices in the Taipei design industry: an evolutionary perspective. *European Planning Studies*, 26(7), 1413-1430.
- Masoudi, M., & Asadifard, E. (2022). Developing a new model for ecological capability evaluation of irrigated lands in Firouzabad Township, Iran. *Aestimum*, 81, 3-13.
- Mengi, O., & Guaralda, M. (2020). Multidimensional management framework for creative places. *Journal of Place Management and Development*, 13(3), 297-317.
- Montalto, V., Panella, F., & Sacco, P. L. (2021). What does Brexit mean for UK cultural and creative cities?. *European Urban and Regional Studies*, 28(1), 47-57.
- Murphy, E., & Redmond, D. (2013). The role of 'hard' and 'soft' factors for accommodating creative knowledge: insights from Dublin's 'creative class'. In *The Legacy of Ireland's Economic Expansion* (pp. 67-82). Routledge.

- Musterd, S., & Murie, A. (Eds.). (2011). *Making competitive cities*. John Wiley & Sons.
- O'Connor, J. (2004). A special kind of city knowledge': Innovative clusters, tacit knowledge and the 'creative city'. *Media International Australia*, 112(1), 131-149.
- O'Connor, J., Gu, X., & Lim, M. K. (2020). Creative cities, creative classes and the global modern. *City, Culture and Society*, 21, 100344.
- Pourbeh, T., Jafarinia, G., Shamsoddini, A., & Ghalehtemouri, K. J. (2023). Introducing creative city factors as a solution in sustainable urban development: a case study from Bushehr City in Iran. *Journal of Urban Culture Research*, 26, 206-225.
- Power, D., & Scott, A. J. (2010). Culture, creativity, and urban development. In *Handbook of local and regional development* (pp. 162-171). Routledge.
- Punpeng, G. (2020). Three pillars of a sustainable creative City in ASEAN: Examples from Thailand, Singapore & Indonesia. *Journal of Urban Culture Research*, 21(1), 125-142.
- Richards, G. (2011). Creativity and tourism: The state of the art. *Annals of tourism research*, 38(4), 1225-1253.
- Rodrigues, M., & Franco, M. (2018). Measuring the performance in creative cities: Proposal of a multidimensional model. *Sustainability*, 10(11), 4023.
- Rodrigues, M., & Franco, M. (2020). Taxonomy of Holistic Performance of Current Creative Cities: Empirical Study. *Journal of Urban Planning and Development*, 146(1), 04019030.
- Rodrigues, M., Franco, M., Oliveira, C., Borges, A. P., & Silva, R. (2023). The pandemic and the creative performance of cities: An empirical study in Portugal. *Smart Cities*, 6(1), 445-468.
- Romein, A., & Trip, J. J. (2009). Key elements of creative city development: An assessment of local policies in Amsterdam and Rotterdam. *Proceedings of the City Futures*, 9.
- Sasaki, M. (2001). The challenges for creative cities. *Tokyo: Iwanami Shoten*.
- Scott, A. J. (2000). The cultural economy of cities: essays on the geography of image-producing industries.
- Scott, A. J. (2010). Cultural economy and the creative field of the city. *Geografiska Annaler: series B, human geography*, 92(2), 115-130.
- Shang-ying, C. H. (2007). Constructing cultural indicator system of Kaohsiung City, Taiwan. In *9th International Conference of Arts and Cultural Management AIMAC: proceedings*.
- Sokół, A. (2019). Empirical verification of the relationship between creative life orientations of the creative class and the creative city. *GeoScape*, 13(1), 79-85.
- Stefanidou, A. (2023). The Challenges Cities Face on Their Way Towards Creativity: Indicative Case Studies of Creative Cities. In *Handbook of Research on Solving Societal Challenges Through Sustainability-Oriented Innovation* (pp. 135-158). IGI Global.
- Stern, M. (2000). Testimony of Mark J. Stern. Social impact of the arts project. Available from: <http://www.ssw.upenn.edu/SIAP>
- Tan, S. K., & Tan, S. H. (2023). A creative place-making framework—Story-creation for a sustainable development. *Sustainable Development*, 31(5), 3673-3691.
- Tang, G. S. F. (2020). Putting creative production in place? Policy, creativity and artist villages. *Creative Industries Journal*, 13(1), 17-35.

- Throsby, D. (1999). Cultural capital. *Journal of cultural economics*, 23, 3-12.
- Throsby, D. (2001). Economics and culture. *The Press Syndicate of the University of Cambridge*.
- Trip, J. J., & Romein, A. (2014). Creative city policy and the gap with theory. *European Planning Studies*, 22(12), 2490-2509.
- Vanolo, A. (2008). The image of the creative city: Some reflections on urban branding in Turin. *Cities*, 25(6), 370-382.
- Vivant, E., & Morteau, H. (2020). Reframing the creative city debate from locally-based artistic activities. The case of independent films scenes in Paris suburb. *City, Culture and Society*, 22, 100357.
- Wang, Q., & Richardson, L. (2021). Race/ethnicity, place, and art and culture entrepreneurship in underserved communities. *Cities*, 115, 103243.
- Werts, C. E., Linn, R. L., & Jöreskog, K. G. (1974). Intraclass reliability estimates: Testing structural assumptions. *Educational and Psychological measurement*, 34(1), 25-33.
- Yum, S. (2020). How can we measure the magnitude of creative cities? A new creativity index: 3Ci. *Creativity Research Journal*, 32(2), 174-183.
- Zhang, C. (2019). The Chinese mosaic: Cultural diversity and creative cities. *Journal of Regional Science*, 59(2), 214-227.
- Zheng, J. (2021). Structuring artistic creativity for the production of a 'creative city': Urban sculpture planning in Shanghai. *International Journal of Urban and Regional Research*, 45(5), 795-813.